Wort des Tages لغتِ روز erledigen

written by مرتضی غلام نژاد | ژانویه 17, 2017

Mit Ach und Krach!
با سختی و زحمت زیاد در نهایت کاری را انجام دادن
با بدبختی کاری را انجام دادن
به هر قیمتی کاری را نهایتا به اتمام رساندن

Ich habe meine Prüfung mit Ach und Krach bestanden
با هر بدبختی که بود امتحانم را قبول شدم
با سختی و زحمت زیاد امتحانم را قبول شدم

فرض کنید که امتحان خیلی سختی داشتید و شما هم خیلی مطالعه نکردید ، اما در نهایت با نمره ۱۰ یا ۱۱ قبول میشید ، به زبان ساده تر با هر سختی و دشواری که بود در نهایت نمره قبولی را گرفتید.

Mit Ach und Krach nach Wladiwostok
با زحمت و سختی به سمت شهر ولادی وستوک (یکی از شهرهای کشور روسیه) رفتن

ولادی وستوک همچنین ایستگاه پایانی راه آهن سراسری سیبری است.

Wir sind dann noch mit Ach und Krach nach Hause gekommen
ما در نهایت با هر سختی و دشواری که بود به خانه آمدیم.

Unter Dach und Fach bringen
چیزی را با موفقیت به اتمام رساندن
همه چیز را سر و سامان دادن یا به عبارتی چیزی را بسامان آوردن

Der Vertrag ist unter Dach und Fach, jetzt kann die Arbeit beginnen
آن قرارداد با موفقیت به اتمام رسید ، اکنون می توان آن کار را شروع کرد

Wir sind erst fertig, wenn die Ernte unter Dach und Fach gebracht ist
ما تازه وقتی کارمان تمام می شود که تلاشمان با موفقیت به اتمام رسیده باشد.
می توانیم به جای اصطلاح Unter Dach und Fach از فعل erledigen نیز استفاده کنیم

erledigen یک فعل می باشد
کاری را با انتها بردن ، تمام کردن یک کار ، دستوری را اجرا کردن ، به انجام رسانیدن ، نابود کردن ، منهدم کردن ، از بین بردن ، از میان بردن ، از پا انداختن

گذشته ساده : erledigten
گذشته کامل : haben erledigt

Alles erledigt?

اصطلاح : همه چیز به خوبی و خوشی به اتمام رسید؟

Viel zu erledigen haben
خیلی کار برای تمام کردن داشتن

Das muss der Chef selbst erledigen
آنرا باید خود رئیس انجام دهد

Einen Auftrag erledigen
یک وظیفه یا ماموریت را به اتمام رساندن یا انجام دادن

Ich habe sämtliche Aufträge erledigt
من تمام سفارش ها را انجام دادم.

Hast du schon alles erledigt?
همه ی کارها را به اتمام رساندی ؟

موفق باشید ?
? Viel Erfolg